

## عنوان مقاله:

واکاوی عینی گرایی در هرمنوتیک روشگرا با تکیه بر دیدگاه هیرش

## محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره 11، شماره 23 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

سمیه عبداللهی - دانشجوی دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهره اخوان مقدم (نویسنده مسئول) - دانشیار وعضوهیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

محمد رضا آرام - دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

هرمنوتیک به معنای «تفسیر کردن» و «تاویل کردن» است و دانش آن در تاریخ پرفراز و نشیب خود با اختلافات و تعارضات فراوانی مواجه بوده، آراء نظریه پردازان در چیستی شناسی هرمنوتیک و قلمرو آن تفاوت گسترده ای داشته است. یکی از پرمناقشه ترین مباحث در هرمنوتیک که باعث ایجاد یک چرخش بنیادی در مباحث هرمنوتیکی شده دیدگاه هستی شناسانه ای بود که نسبت به «فهم» به وجود آمد. قائلان به این دیدگاه- هایدگر وگادامر- راه وصول به حقیقت را، همچون دوره های قبل از خود، از طریق، ارائه روش نمی دانستند و هرمنوتیک فلسفی قائل به ذهنی گرایی در فهم بود. پیش از آن، هرمنوتیستهایی مانند شلایرماخر و دیلتای در پی یافتن روشی برای فهم بودند و فهم صحیح را رسیدن به نظر مولف و عینی می دانستند، هرچند دیدگاه هستی شناسی به فهم گفتمان غالب هرمنوتیک در قرن بیستم گردید، اما منتقدانی را نیز در پی داشت. امیلیو بتی و اریک هیرش با نگاهی انتقادی و روشی نسبت به فهم، از اصل عینیت گرایی در فهم متون دفاع می کردند. این رویکرد روش شناسی را، هرمنوتیک روشگرا و رویکرد هستی شناسی به هرمنوتیک را هرمنوتیک فلسفی می دانند. پرسش اصلی این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده های کتابخانه ای است، آن است که عینی گرایی در هرمنوتیک روشگرا-به ویژه هیرش- چگونه تبیین می شود و دارای چه شاخصه ها و مولفه هایی است؟ و هدف از آن رهایی از نسبی گرایی معرفتی است.

## کلمات کلیدی:

عینیت گرایی، نسبی گرایی، فهم، هرمنوتیک روشگرا و اریک هیرش

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1625979>

